

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن آلمان

## بلبل قدس

تبریک ، ای برادر ، بر ما و تو و یاران  
بر جمله مومنین ، بادرک و فهم و عرفان  
ظاهر شدی عزیزم ، در(تی وی) بار دیگر  
از نور وجه پاکت ، دلخانه ها ، چراغان  
عطر گل کمالت ، مدهوش کرده ما را  
رنگ رخ و جمالت ، آزاده ساز وجدان  
در معنی و تفاسیر ، بیشک که بی مثلی  
لحن ملیحت الحق ، تازہ نمای ایمان  
افسانه عداوت ، آخر شدی به پایان  
در باغ و راغ وحدت ، روید نخل ایقان  
در انتظار روزی ، بودم که باز آبی  
تاحق شود موفق ، باطل شود گریزان  
از گفتن حقیقت ، نه ترس و نه هراسی  
زیرا که حق همیشه بر حق بود نگهبان  
کلمرغ و بوم و باشه بر جنگ بلبل قدس  
چون فاسقان تاریخ ، این ناعقین دوران  
کردند شرحه شرحه ، بس سینه حقیقت  
کز دین می نبینی ، جز خشم و کین و عدوان  
تمثیل ماجرای ، شمر و یزید ، تاکی  
ای تشنگان شهرت ، تهمت چرا به قرآن

دین نیست قتل و غارت ، جنگ و جدال و نفرت  
با یکدیگر عداوت ، از بهر حور و غلمان  
دین است یک محبت ، صلح و صفا و وحدت  
هم عزت و شرافت ، الفت میان انسان  
باید شدن معاشر ، با هر نژاد و فرهنگ  
با جمله دین و مذهب با عشق و روح و ریحان  
دینی که می گذارد ، فرقی میان مردم  
تا میتوانی از وی ، بگریز و ، روی گردان  
تا جوهر تفاسیر ، از معدن معانی  
روشن کند ضمیر ، هر مؤمن و مسلمان  
مانع نمیتوان شد ، ابر سیاه و تیره  
بر نور آفتاب ، پرتوفشان وجدان  
خورشید آسمانی ، در تار خانه ما  
مهمان بس عزیزست ، دایم ز فضل یزدان  
یارب ! تو همتی ده ، قدر ( وثیق ) دانیم  
از خرمنش بچینیم ، یاقوت و درّ و مرجان  
« نعمت » حدیث مهرش ، با گوش جان شنیده  
الفت میان انسان ، وحدت میان ادیان